



نقش معنا داری زندگی و تعارض زناشویی در پیش بینی دلزدگی زناشویی در پرستاران زن متاهل شهر دزفول

مهران محبیبان فر

کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، واحد علوم تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز، ایران (نویسنده مسئول)

mehran.mohebian@gmail.com

فاطمه پیراسته

کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی بندرعباس واحد علوم تحقیقات، ایران.

dentist.bandarabbas@gmail.com

نازیلا حنایی

کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه تبریز، ایران.

Hanaeinazila36@gmail.com

فهیمة احمدی پور مهدابی

کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی از دانشگاه آزاد سیرجان، علوم تحقیقات تهران

fahimeh.ahmadi6744@gmail.com

فرانک کلانتریان

کارشناسی ارشد راهنمایی و مشاوره دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز، ایران.

Far.kalantarian@gmail.com

چکیده

در این پژوهش نقش معناداری زندگی و تعارض زناشویی در پیش بینی دلزدگی زناشویی پرستاران زن متاهل شهرستان دزفول بررسی شده است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه پرستاران متاهل شهرستان دزفول بودند که از بین آنها به روش نمونه گیری تصادفی ساده نمونه ای ۱۵۰ نفری انتخاب شد. برای سنجش متغیرهای پژوهش از مقیاس دلزدگی زناشویی کایزر، شاخص ارزشمندی (استفاده شد. به منظور تجزیه و تحلیل داده ها علاوه بر روش های آمار MCQ-R زندگی باتیستا و آلموند و پرسشنامه تعارض زناشویی (توصیفی از روش های آمار استنباطی همانند ضریب همبستگی ساده و رگرسیون چندگانه استفاده شد. نتایج حاصل از ضریب همبستگی ساده نشان داد که بین معناداری زندگی و دلزدگی زناشویی رابطه منفی و بین تعارض زناشویی با دلزدگی زناشویی رابطه مثبت معنی داری وجود دارد. همچنین نتایج رگرسیون چندگانه نشان داد که متغیرهای معناداری زندگی و تعارض زناشویی ۷۰ درصد واریانس دلزدگی زناشویی را پیش بینی می کنند. در مجموع نتایج پژوهش نشان داد که متغیرهای معناداری زندگی و تعارض زناشویی نقش مهمی در تبیین و پیش بینی واریانس دلزدگی زناشویی دارد.

واژه های کلیدی: معناداری زندگی، تعارض زناشویی، دل زدگی زناشویی



مقدمه

خانواده از ابتدای تاریخ تاکنون در بین تمام جوامع بشری به عنوان اصلی ترین نهاد اجتماعی و منشأ فرهنگ، تمدن و تاریخ بشر محسوب شده است و همواره پرداختن به این بنیاد اصلی جامعه و حمایت و هدایت آن به جایگاه واقعی و متعالی اش مورد تاکید صاحب نظران قرار گرفته است. دین اسلام به عنوان مکتبی انسان ساز، بیشترین عنایت را به تکریم، تنزیه و تعالی خانواده دارد و آن را کانون تربیت، عطف، آرامش و مودت می شمارد. خداوند سبحان در سوره اعراف آیه ۱۸۹ می فرماید: او خدایی است که شما را از نفس واحدی آفرید و همسر شما را از جنس شما قرار داد، تا در کنار او بیساید. خانواده در جوامع مختلف و در طول تاریخ کارکردها و وظایف متعددی برعهده داشته است انسان شناسان خانواده را به عنوان یک هسته اقتصادی با وظایف گسترده در جوامع اولیه توصیف می کند که کارکرد اقتصادی آن با گذشت زمان روز به روز کمرنگ تر شده ولی هنوز حامل اصلی ارزش های اقتصادی و فرهنگی است (ویلیام برین و استیسی^۱، ۲۰۰۵). هرفردی در ابتدا در شکل طبیعی اش رابطه زناشویی خود را با عشق و علاقه شروع می کند و حدس و گمان های اولیه او نیز در راستای حفظ و تداوم این رابطه است. اما گاهی پس از مدتی ممکن است زن یا شوهر یا هر دو آنها نسبت به عمق و شکل رابطه شان دچار تردید شوند و چون بین توقعات خود از زندگی و واقعیت های موجود در زندگی زناشویی شان هماهنگی لازم را نمی بینند، دچار سرخوردگی و دلزدگی شوند (خواصی، ۱۳۹۲). در واقع زوج ها در می یابند که رفتار همسرشان آن چیزی نیست که انتظارش را داشته اند و پس از به وجود آمدن این احساس سرخوردگی، همسرشان را در قیل و بعد از ازدواج مقایسه می کنند (کایزر^۲، ۱۹۹۳). و در پی آن احساسات منفی، حالت غالب به خود می گیرند و به از دست دادن شور و شوق اولیه، وابستگی عاطفی، تعهد و نهایتاً دلزدگی منجر می شود (پوکورسا، فارل، ایوان شینتزکی و پیلای، ۲۰۱۳).

کایزر (۱۹۹۳) از اولین کسانی است که اشاره می کند دلزدگی زناشویی^۳ فرآیند زوال مراقبت، صمیمیت و دلبستگی در یک ازدواج است که احتمالاً ناشی از انباشت ناامیدی ها و تعارض های مختلف است. این حالت با اندیشه های طلاق در ارتباط است، اما لزوماً ارتباط نیرومندی با انحلال رابطه زناشویی ندارد؛ همان طور که برخی افراد برخلاف این که دیگر علاقه ای به همسرشان ندارند، ترجیح می دهند با او در رابطه بمانند (کایزر، ۱۹۹۳). لازم است اشاره شود که محققان و روان شناسان بسیاری در حیطه زناشویی در کشور ایران، با استمساک از واژه لاتین Burn-out (به معنای فرسودگی) در پی بررسی چگونگی بروز فرآیند دلزدگی زناشویی، علل و راهکارهای پیشگیری از آن بوده اند. لیکن واژه مذکور، بیش تر مناسب برای بررسی "فرسودگی شغلی" است و استناد به تحقیقاتی که از واژه Disaffection و معادل های معنایی آن جهت بررسی دلزدگی زناشویی سود برده اند، به نظر مناسب تر می رسد. دیگر این که، در فرسودگی زناشویی تنها علایم و نشانه هایی محدود جهت شناسایی این پدیده ذکر شده و نیاز به شناسایی مراحل دلزدگی زناشویی جهت رسیدگی بهتر به آن در دفاتر مشاوره احساس می شود، لذا علی رغم مشابهت این دو واژه از حیث بار معنایی در مشکلات و مسایل زناشویی، در این تحقیق سعی شده برای بررسی فرآیند دلزدگی زناشویی و ارتباط آن با متغیرهای مورد نظر، از واژه اخیر (Disaffection)، به معنای دلزدگی) استفاده شود. دلزدگی، فقدان کلی مراقبت و عشق در رابطه است که این حالت با نارضایتی زناشویی^۴ تفاوت دارد: ناخشنودی از یک زمینه در ازدواج و نه لزوماً کل رابطه. هم چنین دلزدگی در یکی از طرفین، بیشتر از طرف دیگر رخ می دهد (کایزر و کارستن^۵،

¹. William brain & Stacy

². Kayser

³. marital disaffection

⁴. marital dissatisfaction

⁵. Kersten

۱۹۹۶، به نقل از مک کارتی^۶، ۲۰۰۶). در واقع، دلزدگی در زوج‌ها، یک روند تدریجی است که طی آن صمیمیت و عشق به تدریج رنگ‌باخته و به همراه آن خستگی عمومی عارض می‌شود (پاینز^۷، ۱۹۹۶، ترجمه گوهری‌راد، ۱۳۸۳). دلزدگی، به تحول منفی تعهد و عشق در ازدواج اشاره دارد، فرآیندی که در آن عشق، سرد شده و تمایل به ترک ازدواج و همسری که آسیب‌دیده، جایگزین عشق سابق می‌شود. دلزدگی شامل قطع ناخواسته روابط عاشقانه و عاطفی می‌شود. همه ازدواج‌ها تا جایی پیش می‌روند که عشق، سرد شده و از عمق آن کاسته شود. زمانی که یک ازدواج دچار دردسر می‌شود، هر دو طرف آسیب می‌بینند و بسیاری اوقات حتی نمی‌دانند که کجا اشتباه شده است (کلینتون و ترنت^۸، ۲۰۰۹).

دلزدگی زناشویی حالت دردناک فرسودگی جسمی و عاطفی و روانی است و زوج‌های متوقع را متأثر می‌سازد این حالت زمانی بروز می‌کند که آنها متوجه می‌شوند علی‌رغم تلاش‌هایشان رابطه آنها به زندگی معنا نداده و نخواهد داد. دلزدگی زناشویی از عدم تناسب میان واقعیات و توقعات ناشی می‌شود و میزان آن به میزان سازگاری زوج‌ها و باورهایشان بستگی دارد (پاینز، ۱۹۹۶). شروع دلزدگی به ندرت ناگهانی است و معمولاً تدریجی و به سختی از یک پدیده ناگوار یا حتی چند ضربه ناراحت‌کننده ناشی می‌شود (نعیم، ۱۳۸۷). در واقع انباشته شدن سرخوردگی‌ها و تنش‌های زندگی روزمره سبب فرسایش می‌شود و سرانجام به دلزدگی منجر می‌گردد. یک رابطه زناشویی صمیمی مستلزم آن است که زوجین یاد می‌گیرند با هم ارتباط برقرار کنند و با هم متفاوت باشند از متغیرهای دیگر این پژوهش تعارض زناشویی می‌باشد. تعارض زمانی به وجود می‌آید که زوجین به دلیل همکاری و تصمیمات مشترک که می‌گیرند درجات مختلفی از استقلال و دلبستگی را نشان می‌دهند که این تفاوت را می‌توان روی یک پیوستار از تعارض خفیف تا تعارض کامل طبقه‌بندی کرد (یونگ و لانگ^۹، ۱۹۹۸). از نظر گلاسر^{۱۰} (۲۰۰۰، به نقل از قربانی، ۱۳۸۴) تعارض زناشویی ناشی از ناهماهنگی زن و شوهر در نوع نیازها و روش‌های آن، خودمحوری، اختلاف درخواست‌ها، طرحواره‌های رفتاری و غیر مسئولانه نسبت به ارتباط زناشویی و ازدواج است (شارف^{۱۱}، ۱۹۹۶، گلاسر، ۲۰۰۰ و فرحبخش، ۱۳۸۳).

فرایند تعارض زمانی به وجود می‌آید که یکی از طرفین رابطه احساس کند طرف مقابلش بعضی از مسائل مودعلاقه او را سرکوب می‌کند (گریف و براین^{۱۲}، ۲۰۰۰). از دیدگاه سکستون^{۱۳} (۱۹۹۶، ترجمه قربانی، ۱۳۸۴) تعارض هنگامی رخ می‌دهد که چیزی رضایت را برای شخص فراهم کرده درحالی که همان چیز برای دیگران محرومیت را به دنبال می‌آورد. به طور کلی تعارض در هر رابطه نزدیکی، اجتناب‌ناپذیر است. بعضی از زوجین تعارض خود را به شکل باز و مستقیم و بعضی دیگر تعارض‌شان را انکار و سرکوب می‌کنند و به شکل پنهانی بروز می‌دهند. تقریباً هر زوجی که برای درمان می‌آید در مرحله‌ای از تعارض قرار دارد آنها ممکن است موضوعات مختلفی مثل انتظارات، نیازها خواسته‌ها، پول، ارتباط جنسی، بچه‌ها و خویشاوندان را برای تعارض‌شان عنوان کنند (ویکس و تریت^{۱۴}، ۲۰۰۱ ترجمه قربانی، ۱۳۸۴).

براساس پژوهش‌های که در زمینه تاثیرات مخرب تعارض زناشویی انجام شده پژوهش‌ها نشان می‌دهد که تعارضات زناشویی تاثیرات زیان‌آوری بر سلامت جسم، روان، خانواده دارد (فنیچام و بیچ^{۱۵}، ۱۹۹۹، فینچام^{۱۶}، ۲۰۰۳). همچنین تعارضات زناشویی با پیامدهای مهم در خانواده همانند فرزند پروری ناکارآمد، سازگاری ضعیف فرزندان، افزایش تعارضات والد-فرزندی مرتبط است (گریش و فینچام، ۲۰۰۱).

یکی از عوامل روانشناختی که نقش عمده‌ای در سلامت فرد و بهبود بیماری‌ها ایفا می‌کند معناداری زندگی می‌باشد.

جستجوی در توان نمی‌شود. واقع‌هدف نباید خود اما باشد داشته وجود باید شادمانی و لذت زندگی است: «در معتقد فرانکل^{۱۷}

6. Mccarthy
7. Pinez
8. Clinton & Trent
9. Young & Lang
10. Glasser
11. Sharf
12. Greef & Brien
13. Sakeston
14. Veex & Treat
15. Feneecham & Beach
16. Fenijum
17. Frankl

گوید: «در می فرانکل دهیم». می مان زندگی شرایط کل به ما خود که است معنایی نتیجه خوشبختی زیرا یافت، را آن و رفت خوشبختی کل به که هستند کوچک های شادمانی و کوتاه لحظات همین کند. می سرور و لذت غرق را ما که دارد وجود کوتاهی گاه لحظات زندگی عظمت زیرا باشند لحظه یک فقط ها شادمانی این اگر حتی العاده، خارق های پیروزی و اتفاقات نه دهند زیستن می ارزش ما زندگی و ندارند مشترک زندگی به تمایلی هستند، زندگی در معنایی بی درگیر شوهر و زن وقتی لحظه سنجید». یک عظمت با توان می را هستی طلاق به تمایل و هستند شکست به محکوم ندارند، زندگی در معنایی که کنید زوجینی فکر شاید شود. می زیاد آن ها در جدایی به میل شود (یوسفی و می مخدوش آن ها زندگی ادامه کنند، درک رنج معنای و ببرند رنج زندگی در زوجین نتوانند اگر و است زیاد آن ها کیانی، ۱۳۹۱). کسانی که زندگی خود را معنادار می بینند، اعتقاد دارند که زندگی هدف مهمی دارد و قابل فهم است. به این ترتیب، شخصی که سطوح بالاتری از معناداری در زندگی را تجربه می کند به آسانی قادر به رویارویی با شرایط سخت است. سطوح بالای معنا در زندگی نه فقط به فرد در رویارویی با دشواری ها کمک می کند، بلکه باعث افزایش رضایت شخصی و احساس کامیابی و کاهش دلزدگی زناشویی در فرد می شود. در نتیجه می توان گفت جنبه های خاصی از معناداری نقش عمده ای در افزایش توان فرد در مقابله با مشکلات دارد (کیم، لی، یو، لی و پیگ^{۱۸}، ۲۰۰۵).

ریف و سینگر^{۱۹} (۱۹۹۸)، فگ^{۲۰} و همکاران (۲۰۱۰)، به نقل از نادری و سجادیان، (۱۳۹۱) بر این باورند که علاقه به موضوع معناداری زندگی در کار روانشناسان رو به افزایش است و به عنوان یک موضوع علمی مهم در حال بررسی است. معناداری زندگی عبارت از ادارک منظم، انسجام و هدف درست و دنبال کردن اهداف ارزشمند و نیل به آنها همراه با حس رضایتمندی (رکر، ۲۰۰۰). این اصلاح شامل دو مولفه معناداری زندگی و تلاش برای جست وجوی معناست داشتن معنا در زندگی به حالتی اطلاق می شود که بر اساس آن دریافت شخص از تجارب زندگی هدفمند هستند و در راستای آن هدف شکل می گیرید در حالی که تلاش برای جست وجوی معنا به فعالیت و شدت تمایل افراد به یافتن، ساختن و یا بحث در مورد معنای زندگی اطلاق می شود (استجر، فرازیر، اوشی و کالر^{۲۱}، ۲۰۰۶). هر دو مولفه در بهداشت روانی و جسمی موثر است اما داشتن معنا در زندگی توجه بیشتری را به خود جلب می کند و به نظر می رسد ارتباط قوی تری با سلامت جسمی و روانی داشته باشد (استجر، کاشدان، سولیوان و لورنتز^{۲۲}، ۲۰۰۸). فرانکل (۱۹۹۲) بر این باور است که جوهر هستی انسان زمانی توجه می شود که او با زندگی دست و پنجه نرم می کند و زندگی به او شادی نمی دهد، بلکه فرصت معنا را می دهد. در حقیقت او معتقد است که جست وجوی انسان برای معنا اولین انگیزه او برای زندگی است و البته این معنا ممکن است براساس مقتضیات کیفیت زندگی انسان تحقق یابد (گرابر^{۲۳}، ۲۰۰۴ و راتی و راستوچی^{۲۴}، ۲۰۰۷).

برخی از روانشناسان مانند آلپورت^{۲۵} (۱۹۵۴)، فرانکل (۱۹۷۲) و مازلو^{۲۶} (۱۹۶۲) وجود معنا در زندگی را به عنوان عامل مهم موثر بر کنش های روانشناختی مثبت می دانند. یافته های پژوهشی متعددی نشان داده اند که وجود معنا در زندگی عنصری اساسی در بهزیستی روانی- عاطفی است و به صورت سیستماتیکی با ابعاد گوناگون از شخصیت، سلامت جسمی و ذهنی، با سازگاری و انطباق با استرس ها، مذهب و فعالیت های مذهبی و اختلالات رفتاری ارتباط دارد (اسکنل و بکر^{۲۷}، ۲۰۰۶).

، راش و شی^{۲۸}، ۱۹۸۹ پژوهش ها نشان داده اند که معناداری زندگی پیش بینی کننده مهم بهزیستی روانشناختی (ریف^{۲۸}، ۲۰۰۳) به نقل از ساداتی، (۱۳۹۳) و هالما و ددوا^{۳۰}، ۲۰۰۷) و رضایت از زندگی (بی هو، چی نگ و چی نگ^{۳۱}، ۲۰۱۰) به نقل از

¹⁸.Kim , Lee , Yu , Lee & Pig

¹⁹.Reef & Single

²⁰. fag at al

²¹. Steger, M. F., Frazier, P., oishi, S., Kaler

²². Steger, M.F., Kashdan, T. B., Sullivan

²³. Graber

²⁴. Rathi, N. & Rastogi, R.

²⁵. Allport

²⁶. Maslow

²⁷. Schenell & Becker

²⁸. Ryff

²⁹. Rush and object-Pierre.

³⁰. Halama, p., & Dedova, M

³¹. Yi Ho Chi and Qi Nag Nag



ساداتی، (۱۳۹۳) است و سبب عملکرد بهتر سیستم ایمنی (بوئر، کنمی، تایلور و فاهی^{۳۲}، ۲۰۰۳) و احساس خود کارآمدی (لنت^{۳۳}، ۲۰۰۴) می شود و افسردگی را کاهش می دهد (وستر هاف، باهل میجر، ون بولجو و پات^{۳۴}، ۲۰۱۰) کیفیت زندگی را افزایش می دهد (وو^{۳۵}، ۲۰۰۹) و عامل میانجی بین عواطف مثبت و منفی (اکاثر^{۳۶}، ۲۰۰۳) است.

در این میان پژوهش هایی وجود دارند که متغیر وابسته آنها به نوعی با متغیر معنا داری زندگی مرتبط است مثل رضایت از زندگی (عظیمی هاشمی ۱۳۸۳ و ربانی و بهشتی، ۱۳۹۰)، سلامت روانی و اجتماعی (ریاحی و دیگران، ۱۳۸۷) و سراج زاده و دیگران (۱۳۹۲)، احساس شادمانی (قمری، ۱۳۸۹، جامه شورانی، ۱۳۹۲) و حیدری و هدایتی نوین فر، (۱۳۸۹) احساس آنومی و از خود بیگانگی (قصابیان، ۱۳۸۶ و سراج زاده و پویان فر، ۱۳۸۶).

یوسفی (۱۳۹۱)، یوسفی و همکاران (۱۳۸۵)، نصیری و جوکار (۱۳۸۷)، تبریزی (۱۳۸۳)، اسکندل و بکر^{۳۷} (۲۰۰۶)، واله، هوبنر و سولدو^{۳۸} (۲۰۰۶) و کاسلو^{۳۹} (۱۹۹۴) در پژوهش های خود به بررسی رابطه بین معناداری زندگی و دلزدگی زناشویی پرداخته اند. نتایج پژوهش آن ها نشان داد که بین معناداری زندگی و دلزدگی زناشویی رابطه منفی معنی داری وجود دارد. همچنین نتایج پژوهش های آن ها نشان داد که داشتن فلسفه و معنا در زندگی با کاهش دلزدگی زناشویی و تعارضات زناشویی و افزایش رضایت زناشویی مرتبط است.

ساداتی (۱۳۹۳)، آریامنش و همکاران (۱۳۹۲)، حکیمی و همکاران (۱۳۹۱)، محسن زاده و همکاران (۱۳۹۰)، صلاحیان و همکاران (۱۳۸۹)، نوایی نژاد (۱۳۸۳)، به نقل از سودانی و همکاران، (۱۳۸۸)، بیردیت^{۴۰} و همکاران (۲۰۱۰)، باری^{۴۱} و همکاران (۲۰۰۸)، رحیم^{۴۲} و همکاران (۲۰۰۴)، مارکند^{۴۳} و همکاران (۲۰۰۰)، راس بولت^{۴۴} و همکاران (۱۹۸۶)، به نقل از ساداتی، (۱۳۹۳) کردک^{۴۵} (۱۹۹۵)، به نقل از ساداتی، (۱۳۹۳) نعیمی^{۴۶} (۲۰۰۸)، لینگرد^{۴۷} (۲۰۰۴)، به نقل از ساداتی، (۱۳۹۳) پانز^{۴۸} (۱۹۹۶)، بیکر^{۴۹} (۲۰۰۹)، اسپرچر^{۵۰} میتس^{۵۰} (۲۰۰۲)، به نقل از ساداتی، (۱۳۹۳) در پژوهش های خود به بررسی رابطه بین تعارضات زناشویی و دلزدگی زناشویی پرداخته اند. این پژوهشگران به این نتیجه رسیدند که بین تعارضات زناشویی و دلزدگی زناشویی رابطه مثبت معنی داری وجود دارد. به عبارتی دیگر زمانی که تعارضات زناشویی بالا باشد به تبع آن دلزدگی زناشویی بالا می رود و بالعکس.

چنانچه زندگی زناشویی شرایطی نامساعد را برای ارضای نیازهای مختلف همسران ایجاد کند، نه تنها جنبه های مثبت ازدواج تحقق نمی یابد، بلکه اثری منفی و گاه جبران ناپذیر را به جا خواهد گذاشت. این اثرات منفی فقط برای همسران نیست بلکه طیف وسیعی از اختلالات را در فرزندان آنان ایجاد می کند که از میان آن می توان به گوشه گیری، افسردگی، ضعف در شایستگی اجتماعی، ضعف در عملکرد تحصیلی و مشکلات ارتباطی اشاره کرد (به نقل از دانش، ۱۳۸۹). فرآیند دلزدگی زناشویی، درک درستی از چگونگی تحول روابط زناشویی در طول زمان به دست می دهد و شامل روندی است که در طی آن، احساسات، رفتارها و نگرش های خاصی رخ می دهد. دلزدگی فقدان تدریجی دلبستگی عاطفی است که شامل کاهش توجه به همسر، بیگانگی عاطفی و افزایش احساس دلسردی و بی تفاوتی نسبت به همسر می شود». آمدن دلزدگی به معنای جایگزینی احساسات خنثی به جای عواطف مثبت است. در فرآیند دلزدگی فرض می شود که در

32. Bower, J.E., Kemeny, M.E., Taylor, S.E., & Fahey

33. Lent

34. Westerwelle Hough, Bahl Major, and Pat Van Bvljv

35. Wu

36. Wu O'Connor

37. Schenell & Becker

38. Valle, Huebner & Suldo

39. Kaslow

40. Byrdyt

41. Barry

42. Rahem

43. Marchand

44. Ras-Bvlt

45. Kordak

46. Naeem

47. Lingard

48. Pines

49. Baker

50. Asear Chir & Meets



ابتدا احساسات مثبت وجود داشته است، اما این احساسات در طول زمان و در اثر به وجود آمدن حوادثی از بین می‌روند. این حوادث لزوماً حوادث بزرگی نیستند اما احتمالاً پس از انباشت حوادث به ظاهر کوچک، متجلی می‌شوند (کایزر، ۱۹۹۳). در حقیقت پس از این چنین نقاط عطفی^{۵۱}، سراسر رابطه‌ی زناشویی در هاله‌ای منفی دیده می‌شود، مشکلات به نظر شدید و غیرقابل حل می‌آیند و دلسردی و بی‌زاری ادامه پیدا می‌کند. زن و شوهر اکنون آینده‌ای ترسناک و ملامت از تعاملات منفی یا جدایی و طلاق را پیش رو می‌بینند تا دوام این نقاط عطف در بین زوج‌هایی که دچار دلزدگی شده‌اند باعث تسلط احساسات منفی چون خشم و تنفر از یکدیگر شده و در نهایت به یک حالت بی‌تفاوتی منجر می‌شود (کایزر، ۱۹۹۳).

با توجه به اهمیت خانواده و رضایت زناشویی در افزایش کارکرد خانواده و سلامت جامعه، ضرورت دارد عوامل مرتبط با آن، یعنی، معناداری زندگی و تعارض زناشویی به عنوان سازه‌هایی بنیادین و اثرگذار بر روند بهبود و تقویت استحکام خانواده و روابط زناشویی رضایت‌بخش مورد بررسی قرار گیرد تا اطلاعات مناسبی برای زوج‌ها جهت غنی‌سازی رابطه زناشویی و کاهش دلزدگی زناشویی‌شان و همچنین خانواده درمانگران برای افزایش کارکرد خانواده فراهم کند. هر چند که در پژوهش‌های قبلی رابطه برخی از متغیرها با دلزدگی زناشویی بررسی شده است، ولی با این ترکیب از متغیرها برای پیش بینی و تبیین واریانس دلزدگی زناشویی پژوهشی انجام نشده است. بنابراین هدف از پژوهش حاضر پیش بینی دلزدگی زناشویی بر اساس معناداری زندگی و تعارض زناشویی است. در راستای تحقق هدف مورد نظر این سؤال مطرح است که آیا معناداری زندگی و تعارض زناشویی، دلزدگی زناشویی پرستاران زن متاهل شهرستان دزفول را پیش بینی می‌کند.

روش پژوهش

جامعه آماری، نمونه، روش نمونه‌گیری

جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه پرستاران متاهل شهرستان دزفول بود که کل جامعه مورد بررسی ۲۵۰ پرستار بود که از بین این تعداد ۱۵۰ نفر به عنوان نمونه به روش تصادفی ساده بر اساس جدول کرجسی و مورگان (۱۹۷۰) انتخاب شدند.

ابزار اندازه‌گیری

در این پژوهش به منظور جمع‌آوری داده‌ها تحقیق از ابزارهای زیر استفاده شد.

مقیاس دلزدگی زناشویی

این مقیاس نخستین بار توسط کایزر (۱۹۹۳) در ۲۱ ماده در طیف لیکرت ساخته شد. کایزر در ساخت ماده‌های این مقیاس از

مقیاس عشق^{۵۲} رابین^{۵۳} (۱۹۷۳)، به نقل از کایزر، (۱۹۹۳) و پرسشنامه‌ی «ارزیابی شخصی از صمیمیت در رابطه^{۵۴}» شافر و اولسون^{۵۵}

(۱۹۸۱)، به نقل از کایزر، (۱۹۹۳) و همچنین تجارب بالینی خود استفاده کرد. از ۲۱ ماده این مقیاس، ۱۱ ماده شامل احساسات مثبت

(مراقبت، دلبستگی، محبت، ...) و ۱۰ ماده مربوط به احساسات حاکی از نارضایتی می‌باشد. این مقیاس، تک‌عاملی است و نمرات بالاتر

نشان‌دهنده‌ی سطوح بالاتری از دلزدگی است.

در نمونه‌ی کایزر (۱۹۹۳)، نمرات مقیاس، همبستگی مثبت بالایی با نمرات سایر مقیاس‌های دلزدگی و همبستگی منفی‌ای با

مقیاس‌های مربوط به صمیمیت و نزدیکی زناشویی داشت و آلفای کرونباخ برابر ۰/۹۷ به دست آمد. مطالعات مختلف نیز، پایایی درونی قابل

اطمینان و بالایی را گزارش کرده‌اند، پایایی آلفای کرونباخ برای کل مقیاس: ۰/۷۹ تا ۰/۸۹ (پرست و تین^{۵۶}، ۲۰۰۳، به نقل از دورهام-

فولر^{۵۷}، ۲۰۱۰). رابینسون، فلاورز و نگ^{۵۸} (۲۰۰۶) در مطالعه خود پایایی درونی این ابزار را به روش آلفای کرونباخ ۰/۹۷ گزارش کردند. در

ایران نیز نخستین بار ساداتی، مهربابی‌زاده هنرمند و سودانی (۱۳۹۳) در پژوهشی با نمونه‌ای ۳۰۰ نفری از معلمان، پایایی مقیاس را به

روش آلفای کرونباخ، ۰/۷۹ به دست آوردند. در پژوهش حاضر پایایی مقیاس به روش آلفای کرونباخ، ۰/۸۱ به دست آمد.

51. turning point

52. Love Scale

53. Rubin

54. Personal Assessment of Intimacy in Relationships (PAIR)

55. Schaefer & Olson

56. Priest & Thein

57. Durham-Fowler

58. Robinson, Flowers & Ng

کایزر دریافت این مقیاس بین زوج‌هایی که در مشاوره زناشویی شرکت داشتند و آن‌هایی که شرکت نداشتند تمایز قائل می‌شود (کایزر، ۱۹۹۳). رابینسون، فلاورز و نگ (۲۰۰۶) نیز گزارش کردند که این مقیاس همبستگی معکوسی با سوالات مربوط به رضایت زناشویی ($r = -0/56$) و صمیمیت زناشویی ($r = -0/86$) دارد. در پژوهش ساداتی، مهرابی زاده هنرمند و سودانی (۱۳۹۳) نیز روایی سازه از طریق تحلیل عاملی تأییدی برای ساختار تک‌عاملی مقیاس صورت گرفت که شاخص‌های برازش ساختار تک‌عاملی مقیاس دلزدگی زناشویی کایزر عبارتند از: $CFI = 0/92$ ، $NFI = 0/90$ ، $RFI = 0/88$ ، $GFI = 0/83$ ، $RMSEA = 0/04$. هم‌چنین در مطالعه‌ی آن‌ها روایی همگرایی مقیاس از طریق همبستگی با مقیاس فرسودگی زناشویی پاینز محاسبه شد که ضریب همبستگی این مقیاس با مقیاس فرسودگی زناشویی پاینز معنی دار بود ($p = 0/001$ و $r = 0/54$).

ب: پرسشنامه تعارضات زناشویی تجدید نظر شده

این پرسشنامه نخستین بار توسط ثنایی‌ذاکر و براتی (۱۳۷۵)، به نقل از ثنایی‌ذاکر و همکاران، (۱۳۸۷) یا ۴۲ سوال ساخته شد. سپس توسط ثنایی‌ذاکر، براتی و بوستانی‌پور (۱۳۷۹)، به نقل از ثنایی‌ذاکر و همکاران، (۱۳۸۷) مورد تجدید نظر واقع و فرم ۵۴ سوالی آن ساخته شد. این پرسشنامه برای سنجیدن تعارضات زناشویی است و هشت عامل از تعارضات زناشویی را می‌سنجد که عبارت است از: کاهش همکاری، کاهش رابطه‌ی جنسی، افزایش واکنش‌های هیجانی، افزایش جلب حمایت فرزندان، افزایش رابطه‌ی فردی با خویشاوندان خود، کاهش رابطه‌ی خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان، جداکردن امور مالی از یکدیگر و کاهش ارتباط مؤثر. برای هر سوال پنج گزینه در نظر گرفته شده که به تناسب، ۱ تا ۵ نمره به آن‌ها اختصاص داده شده است و نمره‌گذاری گزینه‌ها به این صورت است: هرگز (۱)، بندرت (۲)، گاهی (۳)، اکثراً (۴)، همیشه (۵). سوالات ۳، ۱۱، ۱۴، ۲۶، ۳۰، ۳۳، ۴۵، ۴۷ و ۵۴ نیز به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. حداکثر نمره کل پرسشنامه ۲۷۰ و حداقل آن ۵۴ است و نمره‌ی بیشتر به معنای تعارض بیشتر و نمره‌ی کمتر به معنای رابطه‌ی بهتر و تعارض کمتر است، ۱۴۹-۷۹: روابط زناشویی بهنجار، ۱۸۶-۱۵۰: تعارض بیش از حد هنجار و ۱۸۷ به بالا: تعارض شدید و روابط شدیداً آسیب‌پذیر. سوال‌های خرده‌مقیاس‌ها از این قرار است: کاهش همکاری (۴، ۱۲، ۱۸، ۲۵، ۳۴)، کاهش رابطه‌ی جنسی (۵، ۱۳، ۱۹، ۲۵، ۴۰)، افزایش واکنش‌های هیجانی (۶، ۱۴، ۲۰، ۲۷، ۳۶، ۴۲، ۴۹، ۵۱)، افزایش جلب حمایت فرزندان (۹، ۲۲، ۳۱، ۳۸، ۴۴)، افزایش رابطه‌ی فردی با خویشاوندان خود (۸، ۱۵، ۲۱، ۲۹، ۳۷، ۴۳)، کاهش رابطه‌ی خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان (۱، ۲۳، ۳۲، ۴۶)، جداکردن امور مالی از یکدیگر (۲، ۱۰، ۱۷، ۲۴، ۳۳، ۳۹، ۴۸) و کاهش ارتباط مؤثر (۳، ۷، ۱۱، ۱۶، ۲۶، ۲۸، ۳۰، ۴۱، ۴۵، ۴۷، ۵۲، ۵۴) (ثنایی‌ذاکر و همکاران، ۱۳۸۷).

آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۹۶ و برای ۸ خرده‌مقیاس آن از این قرار است: کاهش همکاری، ۰/۸۱؛ کاهش رابطه‌ی جنسی، ۰/۶۱؛ افزایش واکنش‌های هیجانی، ۰/۷۰؛ افزایش جلب حمایت فرزندان، ۰/۳۳؛ افزایش رابطه‌ی فردی با خویشاوندان خود، ۰/۸۶؛ کاهش رابطه‌ی خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان، ۰/۸۹؛ جداکردن امور مالی از یکدیگر، ۰/۷۱ و کاهش ارتباط مؤثر، ۰/۶۹ (ثنایی‌ذاکر و همکاران، ۱۳۸۷). در تحقیق بخشی‌پور و همکاران (۱۳۹۱) نیز پایایی این ابزار به روش همسانی درونی برای کل مقیاس ۰/۹۰ و برای ۸ خرده‌مقیاس به صورت کاهش همکاری، ۰/۷۹؛ کاهش رابطه‌ی جنسی، ۰/۶۹؛ افزایش واکنش‌های هیجانی، ۰/۷۲؛ افزایش جلب حمایت فرزندان، ۰/۵۶؛ افزایش رابطه‌ی فردی با خویشاوندان خود، ۰/۷۸؛ کاهش رابطه‌ی خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان، ۰/۸۰؛ جداکردن امور مالی از یکدیگر، ۰/۷۰ و کاهش ارتباط مؤثر، ۰/۷۵ گزارش شد. هم‌چنین در پژوهش امینی، امینی و حسینیان (۱۳۹۲) پایایی پرسشنامه را از طریق آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۹۳ و برای مؤلفه‌های آن به این صورت به دست آمد: کاهش همکاری، ۰/۸۷؛ کاهش رابطه‌ی جنسی، ۰/۷۰؛ افزایش واکنش‌های هیجانی، ۰/۶۸؛ افزایش جلب حمایت فرزندان، ۰/۴۴؛ افزایش رابطه‌ی فردی با خویشاوندان خود، ۰/۸۰؛ کاهش رابطه‌ی خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان، ۰/۸۳؛ جداکردن امور مالی از یکدیگر، ۰/۷۵ و کاهش ارتباط مؤثر، ۰/۷۱. هم‌چنین پایایی این پرسشنامه در پژوهش حاضر به روش آلفای کرونباخ برای کل ابزار ۰/۸۳ به دست آمد. هم‌چنین این پرسشنامه در پژوهش ساداتی (۱۳۹۳) به روش آلفای کرونباخ ۰/۸۳ به دست آمد.

هم‌چنین این ابزار از روایی خوبی برخوردار است و در مرحله تحلیل محتوای آزمون، پس از محاسبه همبستگی هر سوال با کل پرسشنامه و مقیاس‌های آن، به دلیل همبستگی مناسب تمام سوالات، هیچ سوالی حذف نشد (ثنایی‌ذاکر و همکاران، ۱۳۸۷). امینی و همکاران (۱۳۹۲)، به نقل از ساداتی، (۱۳۹۳) نیز در پژوهش خود گزارش کردند که این ابزار دارای روایی صوری است، به این صورت که سوالات پرسشنامه به چند تن از اساتید و صاحب‌نظران مربوطه جهت دآوری ارائه شد و مورد تأیید قرار گرفت.

شاخص ارزشمندی زندگی (LRI)



در این پژوهش برای ارزیابی معناداری زندگی از آزمون شاخص ارزشمندی زندگی^{۵۹} (LRI) باتیستا و آلموند (۱۹۷۳) که به وسیله دباتس (۱۹۹۸)، تجدید نظر شده است، استفاده شد. این آزمون شامل ۲۸ گویه و دو خرده مقیاس به نام های ۱- «چارچوب»: ادراک فرد از ساختار و فلسفه زندگی و هم چنین رویکرد او برای استنباط معنا در زندگی است و ۲- «رضایت»: ادراک فرد از زندگی کردن بر اساس چارچوب انتخابی اش می باشد. هر کدام از این دو خرده مقیاس دارای ۱۴ گویه می باشند که در برابر آن ها یک طیف سه گزینه ای شامل موافقم، نظری ندارم و مخالفم قرار دارد.

شواهد پژوهشی چندی وجود دارند که نشان می دهند این آزمون از ضرایب روایی و پایایی مطلوبی برخوردار است (باتیستا و آلموند^{۶۰}، ۱۹۷۳). نصیری و جوکار (۱۳۸۷) به منظور تعیین پایایی آزمون از ضریب آلفای کرونباخ استفاده کردند که برای کل آزمون و خرده مقیاس های رضایت و چارچوب برابر با ۰/۸۵، ۰/۷۳ و ۰/۷۷ بدست آمد که رضایت بخش است. در پژوهش حاضر پایایی کل پرسشنامه به روش آلفای کرونباخ ۰/۸۳ بدست آمد.

نصیری و جوکار (۱۳۸۷) برای بررسی روایی این آزمون از تحلیل عوامل به روش مؤلفه های اصلی با چرخش واریماکس^{۶۱} استفاده کردند. شاخص KMO برابر با ۰/۸۵ و ضریب کرویت بارتلت برابر با ۶۴/۲۷۹۹ بود. که در سطح $p \leq 0/001$ معنی دار بود، که نشان دهنده کفایت نمونه گیری گزینه ها و ماتریس همبستگی آن ها بود. نتایج تحلیل عامل نشان داد که در مقیاس دو عامل اصلی وجود دارد که هر دو بر روی هم ۰/۳۹ واریانس را تبیین می نمایند. عامل اول ۲۲/۵۸ درصد از واریانس مقدار ویژه (آیگن^{۶۲}-۵/۹۹) و عامل دوم ۱۶/۷۵ از واریانس مقدار ویژه (آیگن - ۲/۶۹) را تبیین می نمایند و بار عاملی برای گویه ها ۰/۳۰ انتخاب و هر گویه ای که بار عاملی کمتر از این مقدار داشت حذف گردید که با این اوصاف گویه های ۱، ۲، ۷، ۲۲، ۲۴ و ۲۵ حذف گردیدند. در نهایت یک ابزار ۲۳ گویه ای برای ارزیابی معنا در زندگی به دست آمد. البته داده های به دست آمده از روش تحلیل عامل، از ساختار دو عاملی این مقیاس حمایت می نمایند که این یافته با یافته های هریس^{۶۳} و استاندارد^{۶۴} (۲۰۰۱)، به نقل از نصیری و جوکار، (۱۳۸۷) همخوان است.

یافته های پژوهش

جدول ۱ میانگین، انحراف معیار و حداقل و حداکثر نمره متغیرهای پژوهش

شاخص آماری	میانگین	انحراف معیار	حداقل نمره	حداکثر نمره	تعداد
تعارض زناشویی	۱۱۷/۶۹	۲۷/۱۳	۶۷	۱۷۸	
معناداری زندگی	۵۱/۲۳	۹/۵۴	۲۴	۶۷	۱۵۰
دلزدگی زناشویی	۵۱/۱۴	۱۰/۳۳	۲۲	۸۰	

های پرستاران زن در متغیر تعارض زناشویی شود، میانگین و انحراف معیار نمره طوری که در جدول ۱ مشاهده می همان ۱۱۷/۶۹ و ۲۷/۱۳، در متغیر معناداری زندگی ۵۱/۲۳ و ۹/۵۴ و در متغیر دلزدگی زناشویی ۵۱/۱۴ و ۱۰/۳۳ می باشد. جدول ۲ ضرایب همبستگی ساده، معناداری زندگی و تعارض زناشویی با دلزدگی زناشویی پرستاران زن متاهل را نشان می دهد.

جدول ۲ ضرایب همبستگی ساده بین معناداری زندگی و تعارض زناشویی با دلزدگی زناشویی

متغیر ملاک	متغیر پیش بین	شاخص های آماری
ضریب همبستگی	سطح معنی داری	تعداد

⁵⁹ . Life- Regard Index(LRI)

⁶⁰ . Batista and Almond

⁶¹ . varimax rotation

⁶² . Eigen values

⁶³ . Harris

⁶⁴ . Standard



۱۵۰	۰/۰۰۱	۰/۸۳	تعارض زناشویی	دلزدگی زناشویی
	۰/۰۰۱	-۰/۴۹	معناداری زندگی	

همان طوری که در جدول ۲ مشاهده می شود ضرایب تعارض زناشویی با دلزدگی زناشویی ($r=0/83$ و $p\leq 0/001$) مثبت و معنی دار و معناداری زندگی با دلزدگی زناشویی ($r=-0/49$ و $p\leq 0/001$) منفی و معنی دار هستند. به منظور بررسی رابطه چندگانه متغیرهای پیش بین (معناداری زندگی و تعارض زناشویی) با متغیر ملاک (دلزدگی) از تحلیل رگرسیون به روش همزمان استفاده شده که نتایج حاصل در جدول ۳ نشان داده شده است.

جدول ۳ نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون به شیوه همزمان بر روی متغیرهای پژوهش

شاخص ها	پیش بین	R	R ²	F	B	T	سطح معنی داری
دلزدگی زناشویی	تعارض زناشویی	۰/۸۳	۰/۷۰	۴۱/۴۰	-۰/۸۶۲	-۲۱/۳۲	۰/۰۰۱
	معناداری زندگی				-۰/۰۴۸	-۱/۰۷	۰/۲۸۴

همان طور که در جدول ۳ مشاهده می شود ضریب همبستگی چندگانه نشان می دهد معناداری زندگی و تعارض زناشویی ۷۰ درصد واریانس دلزدگی را تبیین می کند.

بحث و نتیجه گیری

معناداری زندگی و تعارض زناشویی در پیش بینی دلزدگی زناشویی در پرستاران زن متأهل شهر دزفول می هدف از پژوهش نقش باشد. نتایج حاصل از تحلیل داده های این پژوهش نشان داد که بین معناداری زندگی با دلزدگی زناشویی رابطه ای علی منفی دارد. یافته های به دست آمده از تحلیل های آماری این فرضیه با مطالعات یوسفی (۱۳۹۱)، یوسفی و همکاران (۱۳۸۵)، نصیری و جوکار (۱۳۸۷)، و کاسلو (۱۹۹۴) در یک راستا قرار دارد. در تبیین این یافته تیریزی (۱۳۸۳)، اسکند و بکر (۲۰۰۶)، واله، هوبنر و سولدو^{۶۵} (۲۰۰۶) «در زندگی لذت و شادمانی باید وجود داشته باشد، اما خود نباید هدف واقع شود. نمی توان در جستجوی خوشبختی فرانکل معتقد است: رفت و آن را یافت زیرا خوشبختی نتیجه معنایی است که خود ما به کل شرایط زندگی مان می دهیم». فرانکل می گوید: «در زندگی گاه لحظات کوتاهی وجود دارد که ما را غرق لذت و سرور می کند. همین لحظات کوتاه و شادمانی های کوچک هستند که به کل زندگی ما ارزش زیستن می دهند، نه اتفاقات و پیروزیهای خارق العاده، حتی اگر این شادمانی ها فقط یک لحظه باشند زیرا عظمت هستی را می توان با عظمت یک لحظه سنجید. وقتی زن و شوهر درگیر بی معنایی در زندگی هستند، تمایلی به زندگی مشترک ندارند و میل به جدایی در آن ها زیاد می شود. شاید فکر کنید جستجو و یافتن معنا خود می تواند موجب تنش شود، اما فرانکل این تنش و هیجان را از شرایط لازم سلامت روان می داند و می گوید: زندگی خالی از هیجان محکوم به روان نژندی است. شخصیت سالم باید در سطحی میان آنچه به آن دست یافته یا به انجام رسانده و آنچه که باید بدان دست یابد یا به انجام رسانده، باشد. یعنی فاصله ای میان آنچه هست و آنچه باید باشد. این فاصله برای آن است که فرد سالم تلاش کافی برای دستیابی به اهدافی که به زندگی معنا می بخشد را داشته باشد. زوجینی که معنایی در زندگی ندارند، محکوم به شکست هستند و تمایل به دلزدگی زناشویی و طلاق آن ها زیاد است و اگر زوجین نتوانند معنای زندگی را درک کنند، ادامه زندگی آن ها مخدوش می شود.

همچنین یکی دیگر از نتایج این پژوهش حاکی از این بود که بین تعارض زناشویی و دلزدگی زناشویی رابطه ای مثبت معنی داری وجود دارد. نتایج به دست آمده از تجزیه و تحلیل های آماری این یافته نیز با پژوهش های ساداتی (۱۳۹۳)، آریامنش و همکاران (۱۳۹۲)، حکیمی و همکاران (۱۳۹۱)، محسن زاده و همکاران (۱۳۹۰)، صلاحیان و همکاران (۱۳۸۹)، نوایی نژاد (۱۳۸۳)، به نقل از سودانی و

⁶⁵. Vale, Huebner and the Soldo

همکاران، ۱۳۸۸)، بیردیت و همکاران (۲۰۱۰)، باری و همکاران (۲۰۰۸)، رحیم و همکاران (۲۰۰۴)، مارکند و همکاران (۲۰۰۰)، راس-بولت و همکاران (۱۹۸۶) و کردک (۱۹۹۵) هم سو و هماهنگ است. در تفسیر این یافته می توان به دیدگاه سنتی در مورد تبعات تعارض زناشویی تکیه کرد که نظریه ای غالب است و تعارض را موجب افت و تخریب و مسبب بحران در رابطه زناشویی می داند (بهارستان، ۱۳۸۳). هم چنین در راستای تعریف هالفورد (۲۰۰۱)، به نقل از روشن و همکاران، (۱۳۸۹) از تعارض زناشویی که آن را نارضایتی حداقل یکی از زوج ها نسبت به رابطه در نظر می گیرد که به سرعت افزایش می یابد؛ می توان به نظر رایس (۱۹۹۶)، به نقل از بخشی پور و همکاران، (۱۳۹۱) در باب آثار مخرب تعارض زناشویی اشاره کرد که زوج ها به جای مشکل، یکدیگر را مورد حمله قرار می دهند و هریک از زوج ها از اظهار نظرهای بسیار منفی علیه دیگری استفاده و سعی می کند تا از طریق سرزنش و انتقاد، دیگری را تحت نفوذ خود در آورد. در واقع تضادها و مخالفت های مکرر در رابطه زناشویی، موجب نارضایتی زوج ها شده که در نتیجه آن پیوندهای عاطفی می گسند. تعارض باعث سست شدن تعهدات افراد به یکدیگر شده و در حالات شدید آن موجب شکست زندگی زناشویی، دزدگی و احتمالاً طلاق می شود (بشکار، ۱۳۸۷^ع، به نقل از شیخ زاده، ۱۳۹۱). بک (۱۹۸۸)، ترجمه ی قراچه داغی، (۱۳۸۸). معتقد است که عدم درک متقابل و تعارض های زناشویی یکی از نخستین عوامل اختلاف در ازدواج است. وجود تعارض های مکرر و حل نشده در روابط زناشویی، دل بستگی های سازنده بین زوج ها را کم رنگ کرده و مانع هم دلی یا اشتیاق آن ها به مدارا با یکدیگر می شود. از سوی دیگر در تعارض های زناشویی، احساسات ناخوشایندی برای هر یک از زوج ها ایجاد می شود که اعتماد فی مابین را خدشه دار می سازد. در ادامه این روند، افراد سعی می کنند تا موضع تدافعی اختیار کرده و با متهم قرار دادن یکدیگر، آتش اختلاف ها را شعله ورتر می سازند. در واقع در روند تشدید تعارض های زناشویی، احساس ارزشمندی افراد به همراه ارزش و احترامی که برای رابطه عاطفی و زناشویی خود قائل بوده اند به تدریج رنگ می بازد و در سایه گسستگی های عاطفی محو می شود. این فاصله گیری های جسمی، روانی و عاطفی در سال های آتی پررنگ تر شده و به صورت دزدگی زناشویی خود را نمایان می سازد. از آن جایی که نمونه ی تحقیق تنها شامل پرستاران زن متأهل شهر دزفول می شود، لذا در تعمیم نتایج آن باید احتیاط بیشتری به عمل آید. با توجه به نتایج این پژوهش به سایر درمانگران و مشاوران پیشنهاد می شود، به نقش متغیرهای پژوهش، در از بین بردن دزدگی زناشویی و استحکام خانواده، توجه و از آن ها برای بهبود فرآیند زوج درمانی و پیشگیری از روند دزدگی بین زوج ها استفاده شود. به علاوه پیشنهاد می شود از نتایج این تحقیق در جهت آگاهی افزایی زوج های در شرف ازدواج استفاده شود. همچنین تحقیقی مشابه بر روی پرستاران مرد انجام گیرد تا بتوان نتایج حاصل از داده های مربوط به دو جنس را مقایسه کرد.

محدودیت های پژوهش

۱- از آن جایی که نمونه ی تحقیق تنها شامل دانشجویان زن متأهل دانشگاه آزاد اسلامی واحد دزفول می شود، لذا نتایج آن با احتیاط تعمیم داده شود.

۲- با توجه به این که پژوهش حاضر روی دانشجویان انجام گرفته نتایج حاصل از آن قابل تعمیم به گروه های سنی دیگر نمی باشد.

۳- از آن جا که این پژوهش بر روی دانشجویان انجام گرفته نتایج حاصل از آن قابل تعمیم به غیردانشجو نمی باشد.

۴- تک جنسیتی شدن نمونه تحقیق.

پیشنهادها

۱- به سایر درمانگران و مشاوران پیشنهاد می شود با توجه به تأیید شدن فرضیه های پژوهش، به نقش متغیرهای پژوهش، در از بین بردن دزدگی زناشویی و استحکام خانواده، توجه و از آن ها برای بهبود فرآیند زوج درمانی و پیشگیری از روند دزدگی بین زوج ها آن استفاده شود.

۲- پیشنهاد می شود از نتایج این تحقیق در جهت آگاهی افزایی زوج های در شرف ازدواج استفاده شود.

منابع

الف- منابع فارسی

آریامنش، صابر، فلاح‌چای، سید رضا و زارعی، اقبال (۱۳۹۲). مقایسه تمایز یافتگی بین زوج‌های رضایت‌مند و زوج‌های دارای تعارض زناشویی در شهر بندرعباس. *مجله پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره*، سال سوم، شماره اول، ۸۱-۸۹.

امینی، محمد، حسینیان، سیمین، امینی، یوسف (۱۳۹۲). اثربخشی آموزش گروهی مهارت‌های ارتباطی زوجین با استفاده از (بر کاهش تعارضات زناشویی فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده، ۳، ۴۰۰-۳۷۷) رویکرد متقابل

بخشی‌پور، باب‌الله، اسدی، مسعود، کیانی، شیرعلی‌پور، اصغر و احمد دوست، حسین (۱۳۹۱). رابطه عملکرد خانواده با تعارضات زناشویی زوج‌های در آستانه طلاق. *مجله دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی*، سال سیزدهم، شماره چهارم و هشتم، ۱۰-۳۳. یک، آرون، تی (۱۹۸۸). *عشق هرگز کافی نیست*. ترجمه‌ی مهدی قراچه‌داغی (۱۳۸۸). تهران: ذهن آویز.

بهارستان، جلیل (۱۳۸۳). بررسی سبک‌های مدیریت تعارض در دبیرستان‌های شهر یزد از دیدگاه مدیران. *مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی*، سال یازدهم، شماره سوم و چهارم، ۱۰۹-۱۳۲.

براتی، طاهره (۱۳۷۵). تاثیر تعارض‌های زناشویی بر روابط متقابل زن و شوهر. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رودهن.

پاینز، آیالا مالاچ (۱۹۹۶). دلزدگی از روابط زناشویی. ترجمه‌ی حبیب‌گوهری راد (۱۳۸۳). تهران: رادمهر.

پاینز، آیالا مالاچ (۱۹۹۶). چه کنیم تا عشق رویایی به دلزدگی نینجامد. ترجمه فاطمه شاداب. (۱۳۸۱). تهران: انتشارات ققنوس

تبریزی، مصطفی (۱۳۸۳). بررسی و مقایسه اثربخشی گروه درمانی تلفیقی زوجها مساحت درمانی گروهی بک و کتاب درمانی در کاهش ناراضیاتی زناشویی. پایان‌نامه دکتری مشاوره

ثنایی‌ذاکر، باقر، علاقبند، ستیلا، فلاح‌تی، شهره و هومن، عباس (۱۳۸۷). مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج. تهران: بعثت‌جامه شورانی، مریم (۱۳۹۲). مطالعه رابطه دینداری با شادمانی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. گروه جامعه‌شناسی دانشگاه خوارزمی تهران.

حکیمی‌تهرانی، لیلا، فاتحی‌زاده، مریم و باغبان، ایران (۱۳۹۱). اثربخشی آموزش امنیت هیجانی بر تعارضات زناشویی زنان متأهل شهر اصفهان. *مجله مطالعات روان‌شناختی زنان*، سال دهم، شماره سی، ۱۰۳-۱۲۴.

حیدری‌رفعت، ابودز و علی‌هدایتی‌نوبین فر (۱۳۸۹). رابطه بین نگرش دینی و شادکامی در بین دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس. فصلنامه روانشناسی و دین. سال ۳. شماره ۴.

خواصی، لیلا (۱۳۹۲). معنای حریم همسران در ازدواج‌های موفق (حریم و مرزهای زناشویی در مواجهه با عامل یا شخص سوم). تهران: انتشارات قطره

دانش، عصمت (۱۳۸۹). بررسی اثربخشی روش ارتباط محاوره‌ای در افزایش سازگاری زناشویی زوج‌های ناسازگار. خانواده‌پژوهی. سال ششم، شماره ۳۳، پاییز.

ربانی، رسول و سید صمد بهشتی. (۱۳۹۰). بررسی تجربی رابطه دینداری و رضایت از زندگی *مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*. دوره هشتم. شماره ۱

- روشن، رسول، علینقی، علیرضا و طاولی، آزاده (۱۳۸۹). بررسی اثربخشی زوج‌درمانی مبتنی بر خودنظم‌بخشی بر کاهش تعارضات زناشویی. *مجله مطالعات روان‌شناسی بالینی*، سال یکم، شماره یکم، ۱-۱۴.
- ریاحی، محمد اسماعیل؛ اکبر علیوردی نیا و محمد رضا بنی اسدی . (۱۳۸۷). بررسی اثرات دینداری و جهت‌گیری دینی بر سلامت روان دانشجویان دانشگاه مازندران . *مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*. سال ۵، شماره ۲.
- ساداتی، سید احسان (۱۳۹۳). رابطه علی تمایز یافتگی، روان‌رنجورخویی و بخشودگی با دلزدگی زناشویی از طریق میانجی‌گری تعارض زناشویی در معلمان مرد مدارس شهر استهبان. پایان‌نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی. دانشگاه شهید چمران اهواز. ساداتی، سید احسان، مهربانی‌زاده هنرمند، مهناز و سودانی، منصور (۱۳۹۳). روایی، پایایی و تحلیل عاملی مقیاس دلزدگی زناشویی کایزر. اولین کنگره ملی روان‌شناسی خانواده
- سراج زاده، سیدحسین؛ فاطمه جواهری و سمیه ولایتی. (۱۳۹۲). دین و سلامت: آزمون اثر دینداری بر سلامت در میان نمونه‌ای از دانشجویان. *جامعه‌شناسی کاربردی*: سال ۲۴، شماره پیاپی ۴۹، شماره ۱.
- اثربخشی آموزش خانواده درمانی ساختی به شیوه گروهی بر کاهش، شهرپاری، یونس و شفیع‌آبادی، عبدالله (۱۳۸۸). سودانی، منصور تعارضات زناشویی زوجین ارجاعی به شعب شورای حل اختلاف شهرستان باغملک. *مجله یافته‌های نو در روان‌شناسی*، دوره چهارم، شماره دوازدهم، ۷-۲۵
- سراج زاده، سید حسین و محمد رضا پویافر. (۱۳۸۷). دین و نظم اجتماعی: بررسی رابطه دینداری با احساس انومی و کج روی. مسایل اجتماعی ایران (ویژه نامه علوم اجتماعی. *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت معلم*). سال ۱۶، شماره ۶۳.
- شیخ‌زاده، افسانه (۱۳۹۱). *بررسی اثربخشی آموزش خودتمایزسازی بر تعارضات زناشویی و تمایز یافتگی زوجین شهر اهواز*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه شهید چمران اهواز.
- شارف، ریچارد اس، نظریه‌های روان‌درمانی و مشاوره ترجمه مهرداد فیروزبخت . (۱۳۸۱). تهران موسسه خدمات فرهنگی رس
- صلاحیان، افشین، صادقی، مسعود، بهرامی، فاطمه و شریفی، مریم (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین هوش هیجانی و بخشودگی با تعارضات زناشویی. *فصلنامه مطالعات روان‌شناختی*، دوره ششم، شماره دوم، ۱۱۵-۱۴۰.
- عظیمی هاشمی، مژگان (۱۳۸۳). رضایت از زندگی و دینداری در بین دانش‌آموزان دوره متوسطه: (شهرهای فردوس، درگز و نواحی آموزشی ۵، ۴ و ۷ مشهد). *مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد* سال اول، شماره ۳.
- فرحبخش، کیومرث (۱۳۸۳). مقایسه میزان اثر بخشی مشاوره زناشویی به شیوه شناختی الیس، واقعیت‌درمانی گلاسر و اختلاطی از آن دو در کاهش تعارضات زناشویی. تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره ۵ (۱۸)، ص ۵۷-۳۳.
- قمری، محمد (۱۳۸۹). بررسی رابطه دینداری و میزان شادمانی در بین دانشجویان به تفکیک جنسیت و وضعیت تاهل. *فصلنامه روانشناسی و دین*. سال ۳، شماره ۳.
- قصابیان، رضوان (۱۳۸۶). بررسی رابطه دینداری و بیگانگی اجتماعی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس.
- قربانی، کیومرث . (۱۳۸۴). تاثیر زوج‌درمانی به شیوه درمانی عقلانی - هیجانی رفتاری به تعارضات و افکار غیر منطقی زوجین مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهر اصفهان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان، اصفهان
- محسن‌زاده، فرشاد، نظری، علی محمد و عارفی، مختار (۱۳۹۰). مطالعه کیفی عوامل ناراضی‌تی زناشویی و اقدام به طلاق (مطالعه موردی شهر کرمانشاه). *فصلنامه مطالعات راهبردی زنان*، سال چهاردهم، شماره پنجاه و سوم، ۷-۴۲.
- نادری، محمد علی و سجادیان ایلناز (۱۳۹۱). مقایسه تحول شناختی دانشجویان در ادراک از معناداری زندگی. *فصلنامه دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی*، دوره ۱۳، شماره ۱، ص ۲۷-۱۸.
- نعیم، سامیه (۱۳۸۷). رابطه دلزدگی زناشویی، رابطه صمیمی با همسر، تعارضات زناشویی با خشونت علیه زنان شهر ایلام. پایان‌نامه چاپ نشده ی کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی. دانشگاه آزاد اسلامی شهر اهواز.
- نصیری، حبیب‌الله و جوکار، بهرام (۱۳۸۷). زندگی از رضایت امید، زندگی، داری معنا و در روان سلامت زنان. *فصلنامه پژوهش زنان*، دوره ۶، شماره ۲، ۱۷۶-۱۵۷.
- (. *فصلنامه مشاوره و روان-DSI-2* بررسی شاخص‌های روان‌سنجی مقیاس خانوادگی تفکیک خویشتن (.) 1391 یوسفی، ناصر (*درمانی خانواده*، سال اول، شماره اول.



1st

International Academic Conference on
Psychology, Educational Sciences & Social Sciences

May, 24
LILLE



یوسفی، ناصر و کیانی، محمد علی (۱۳۹۱). تأثیر گشتالت درمانگری و معنا درمانگری بر کاهش میل به طلاق مردان متقاضی مشاوره. فصلنامه مشاوره و روان درمانی خانواده، شماره یک، ۱۵۸-۱۵۰.
یوسفی، ناصر، عطاری، یوسفعلی، بشلیده، کیومرث و نبوی حصار، جمیله (۱۳۸۵). بررسی اثربخشی دو رویکرد مشاوره ای و روان درمانی در کاهش نشانگان افسردگی، اضطراب و پرخاشگری در میان زنان متقاضی طلاق مراجعه کننده به مرکز مشاوره خانواده مجله مطالعات تربیتی و روانشناسی دانشگاه مشهد، ۷ (۲)، ۸۵-۶۳. شهرستان سقز
ب- منابع انگلیسی

Allport, G. w. (1954) "The Individual and His Religion, New York: Macmillan.

Birditt, K. S., Brown, E., Orbuch, T. L., & McIlvane, J. M. (2010). Marital conflict behaviors and implications for divorce over 16 years. *Journal of Marriage and Family*, 72 (5), 1188-1204.

Barry, R. A. (2010). *Romantic disengagement as a developmental process that contributes to marital distress and decline*. A dissertation for the degree of doctor of philosophy, University of Iowa

Bakker, A. B. (2009). *The crossover of burnout and its relation to partner health*. *Stress and Health*, 25:343-353.

Bower, J.E., Kemeny, M.E., Taylor, S.E., & Fahey, J.L. (2003). Finding positive meaning and its association with natural killer cell cytotoxicity among participants in a bereavement-related disclosure intervention. *Annals of Behavioral Medicine*; 25, 146-155.

Batisa, J. & Almond, R. (1973) "The Development of Meaning in life, psychiatry, 36, 409-427.

Clinton, T., & Trent, J. (2009). *The quick-reference guide to marriage & family counseling*. Michigan: Books.

Durham-Fowler, J. N. (2010). *Therapeutic assessment with couples*. A dissertation for the degree of doctor of philosophy, University of Texas at Austin.

Fincham, F. D. (2003). *Marital Conflict: Correlates, structure, and Context*, *Current Directions in Psychological Science*, (12) 1:23-26.

Fincham, F., & Beach, S. (1999). *Conflict in marriage: implications for working with couples*. *Annual Review Psychology*, 50, 47-77.

Frankl, V. (1972) "The Feeling of Meaninglessness: A Challenge to psychotherapy" *American Journal of Psychotherapy*, 32, 85-89

Graber, A. V. (2004). *Viktor Frankl's Logotherapy: Methods of choice in ecumenical pastoral psychology*. 2nd ed. Lima, OH: Wyndham Hall press.

Grish, J. H., & Fincham, F. D. (2001). *Interpersonal Conflict and Child Development: Theory, Research and Application*. Cambridge University Press.

Glasser, W. (2000). *Counseling with choice Theory a New Reality Theory a New Reality Therapy*. New York. Harper Collins Publisher.

Greeff, A., & Bruyne, T. (2000). *Conflict management style and marital satisfaction*. *Journal of sex and Marital Therapy*, 2, 321-334



1st

International Academic Conference on
Psychology, Educational Sciences & Social Sciences

May, 24
LILLE



Halama, p., & Dedova, M. (2007). Meaningful Life and hope as predictors of positive mental health: Do they explain residual variance not predicted by personality traits? *Studio psychological*, 49, 191-200.

Kim, T-H., Lee, S.M., Yu, K., Le, S.k., and Puig, A. (2005). Hope and the Meaning of Life as Influences on Korean Adolescents Resilience: Implications for Counselor. *Asia Pacific Education Review*, No.2, Vol6, 143-152.

Kaslow, f. (1999). Long term marriage in Sweden and some comparisons with similar couples in the united state. *Journal of Family Psychology*, 18 (1), 7-8.

Kayser, K. (1993). *When Love dies: The process of marital disaffection*. NY: Guilford.

Lent, R.W. (2004). Toward a unifying theoretical and practical perspective on well-being and psychosocial adjustment. *Journal of Counseling Psychology*, 51, 482-509.

McCarthy, L.A. (2006). Influences of couple conflict type, division of labor, and violated expectations on first-time parents individual and marital well-being. A dissertation for the degree of doctor of philosophy, university of Florida.

Marchand, J. F., & Hock, E. (2000). Avoidance and attacking conflict-resolution strategies among married couples: relations to depressive symptoms and marital satisfaction. *Journal of Family Relation*, 49 (2), 201-206.

Maslow, A.H. (1962). *Towards a psychology of being*. Princeton: D. Van Nostrand Company.

Naderi, F., Eftekhari, Z., & Amolazadeh, S. (2010). *Relationship of personality features and intimacy communications with marital burnout in spouse of addict's men*. *Journal of social psychology (new findings in psychology)*, 61-78. (In Persian)

Naeem, S. (2008). *Marital Burnout relationship, intimate relationship with spouse and marital conflicts with violence against women in the city of Ilam*. Master's Thesis, Islamic Azad University of Ahvaz. (In Persian)

O'Connor, M.F. (2003). Making meaning of life events: Theory, evidence, and research directions for an alternative model. *Omega: Journal of Death and Dying*, 46, 51-75.

Pokorska, J., Farrell, A., Evanschitzky, H., & Pillai, K. (2013). Relationship fading in business – to – consumer context. In S. Sezgin, E. Karaosmanoglu, & A. B. Elmadag Bas (Eds), *EMAC (2013): 42nd Annual European Marketing Academy conference: Lost in translation*. Istanbul: Turkey.

Rathi, N. & Rastogi, R. (2007). Meaning in Life and psychological Well-Being in pre-Adolescents and Adolescents. *Journal of Indian Academy of Applied Psychology*, 33(1) 31-34.

Rahim, A., Kaufman, S., & Psennica, C. (2004). A model of the style of handling conflict, marital satisfaction, and instability. *The International Association for Conflict Management (IACM)*. DOI: <http://www.andrew.cmu.edu/org/IACM2004/>, Oct 2014.

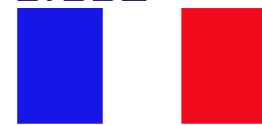
Reker, G.T. (2000). Theoretical perspective, dimensions, and measurement of existential meaning. In G.T.



1st

International Academic Conference on
Psychology, Educational Sciences & Social Sciences

May, 24
LILLE



Ryff, C.D., & Singer, P. (1998). The contours of positive human health. *Psychological Inquiry*, 9, 1-28.

Ryff, C. D. (1989). Happiness is every thing or is it? Explorations of the meaning of psychological Well-being. *Journal of personality and Social psychology*, 57, 1069-1081.

Steger, M.F., Kashdan, T. B., Sullivan, B. A., & Lorentz, D. (2008). Understanding the search for meaningful.

Steger, M. F., Frazier, P., Oishi, S., Kaler, M. (2006). The Meaningful life. *American psychological Association*, 0022-0167.

Schenell, T. & Becker, P. (2006). "Personality and Meaning in life", *Personality and Individual Differences*, 41, 1, 117- 129.

Valle, M. F., Huebner, S., Suldo, S. M. (2006). An analysis of hope as a psychological strength. *Journal of School Psychology*, 24, 401-421.

Westerhof G.J, Bohlmeijer E.T, van Beljouw I.M, Pot A.M. (2010). Improvement in personal meaning mediates the effects of a life review intervention on depressive symptoms in a randomized controlled trial. *Gerontologist*;50(4):541-549.

Wu Ch. (2009). Enhancing quality of life by shifting importance perception among life domains. *Journal of Happiness Studies*, 10(2): 37-47.

Willms, Brian, Stacey, C. (2005). *Marriages, Families and Intimate*

Relationships. Boston, MA: Pearson. 0-205-36674-0

Wrosch, C., & Scheier, M. F. (2003). Personality and quality of Life: The importance of optimism and goal adjustment. *Quality of Life Research*, 12, 59-72.

Young, E. M., & Long, L. (1998). *Counseling and Therapy for Couples*. New York: Intonation Thomson publishing company.